



درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره

تاریخ: ۲۹ مهر ۱۴۰۴

موضوع جزئی: آیه ۶۱ - تفسیر بخش‌های مختلف آیه - بخش چهارم - ۱. «و ضربت علیهم الذلّة و المسکنة» - مصادف با: ۲۸ ربیع الثانی ۱۴۴۷

جلسه: ۱۰

محصل قسمت اول - ترجیح احتمال سوم و مؤید آن - ۲. «و باءوا بغضب من الله» -

احتمال اول و دوم و بررسی آنها - بخش پنجم: «ذلک بانهم کانوا یکفرون...»

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

محصل قسمت اول از بخش چهارم

در بخش چهارم از آیه ۶۱ عرض کردیم سه احتمال وجود دارد؛ قسمت اول از بخش چهارم که عبارت است از «وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ». این سه احتمال عبارتند از:

۱. احتمال اول اینکه مسئله ذلت و خفت و مسکنت و خواری، مربوط به یهودیان همان زمان و این هم مجازات استبدال طعام بود.

۲. احتمال دوم اینکه ضرب ذلت و مسکنت به عنوان مجازات یهودیان همان زمان مطرح شده لکن نه به خاطر استبدال طعام و تقاضای تغییر طعام، بلکه به اعتبار مجموع ناسپاسی‌ها و ناشکری‌هایی که در مقاطع مختلف داشتند؛ طی آیات گذشته، خداوند متعال به نعمت‌هایی که به آنها عطا فرموده، اشاره کرده و ناسپاسی‌های مکرر آنها به این مسئله منتهی شد.

۳. احتمال سوم اینکه مسئله ضرب مسکنت و ذلت مربوط به قوم یهود است، چه در آن زمان و چه در زمان‌های بعدی، و همه یهودیان را تا آخر شامل می‌شود؛ این هم به خاطر دو سه نکته‌ای است که در ادامه خواهیم گفت. علت ذلت آنها را خود این آیه بیان می‌کند.

ترجیح احتمال سوم

از میان این سه احتمال، احتمال سوم را فی‌الجمله ترجیح دادیم و عرض کردیم اینکه آن یهودیان بعد از رحلت حضرت موسی هنوز به ذلت و مسکنت نیفتادند. نه تنها آنها بلکه نسل بعد از آنها هم دچار خواری نشدند؛ آن ذلتی که در آیه به آن اشاره شده، چه بسا چند نسل بعد از حضرت موسی پیش آمد. بنابراین نمی‌تواند ضرب ذلت و مسکنت متوجه یهودیان آن دوران باشد. لذا ما عرض کردیم این مربوط به همه یهودیان و قوم یهود در همه ادوار است.

مؤید احتمال سوم

آنچه که این احتمال را تقویت و تأیید می‌کند، این است که خداوند متعال با ذکر این آیات، در مقام دلداری و تقویت روحیه مسلمین است. یهود زمان پیامبر(ص) خیلی اذیت و آزار داشتند؛ در آیات مختلفی در قرآن، خداوند متعال وقتی اشاره به سرنوشت یهود در گذشته می‌کند و داستان‌هایی را از اذیت و آزارهای آنها نقل می‌کند، عمدتاً به این هدف این کار را انجام می‌دهد که به مسلمانان زمان پیامبر(ص) دلداری بدهد و آنها را از نگرانی بیرون بیاورد که خائف نباشید، مسئله ذلت و مسکنت و خواری در مورد این قوم حتمی و تخلف‌ناپذیر است. ما نظیر این را در برخی آیات دیگر هم داشته‌ایم و قبلاً به مناسبت اشاره کردیم. لذا مجموعاً با توجه به نکته‌ای که عرض شد، می‌توانیم بگوییم احتمال سوم از میان احتمالات سه‌گانه

راجع تر است و این احتمال را قبول داریم.

۲. «وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ»

عرض کردیم قسمت اول از بخش چهارم آیه، اشاره به عذاب دنیوی است؛ مسئله خفت و خواری و ذلت و مسکنت، عذابی است که در این دنیا نصیب قوم یهود شده و می شود. در مورد قسمت دوم یعنی «وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ» دو احتمال وجود دارد: احتمال اول

یک احتمال اینکه به عذاب اخروی اشاره می کند؛ «باءوا» به معنای رجوعوا الی الغضب؛ یعنی آنها به سوی غضب بازگشتند. بازگشت به سوی غضب، به معنای مغضوب شدن است. گویا در گذشته اینها مغضوب بودند؛ بعد از صبر و استقامت و همراهی با حضرت موسی، دوباره به خاطر همین ناسپاسی ها به غضب الهی برگشتند. برگشت به غضب الهی با توجه به اینکه تحقق این غضب و عینیت یافتن آن در روز قیامت است، می تواند اشاره به عذاب اخروی باشد.

احتمال دوم

این احتمال هم وجود دارد که اعم از عذاب دنیوی و اخروی باشد. یعنی خداوند می خواهد بفرماید این قوم با این کاری که کردند، مسکنت و ذلت و خواری برای آنها نوشته شد و گرفتار غضب الهی شدند. غضب الهی از همان لحظه ای است که آنها راه انحرافی طی کردند و این بعد از مرگ هم امتداد پیدا می کند الی یوم القیامة. پس کأن این قسمت آیه می خواهد بفرماید که آنها مغضوب خداوند واقع شدند و این مغضوب شدن طبیعتاً در آخرت هم امتداد دارد و آثاری برای آنها خواهد داشت.

بررسی

اگر بخواهیم تکرار پیش نیاید، یعنی هر فقره از این آیه یک حقیقت را بیان کند، بهتر آن است که بگوییم «وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ» اشاره به عذاب اخروی دارد؛ یعنی کأن اینها دو مشکل پیدا کردند: ۱. عذاب دنیوی؛ ۲. عذاب اخروی. در دنیا خوار و ذلیل می شوند و در آخرت هم به اعتبار اینکه مغضوب واقع شدند، عذاب جهنم در انتظار آنهاست. ما در سوره حمد از خداوند تبارک و تعالی طلب می کنیم: «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ؛ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ»، یعنی ما را به راهی غیر از مغضوبین هدایت کن. همانطور که گفته شد، انسان در دنیا هم می تواند مغضوب واقع شود؛ ولی این در آخرت انعکاس پیدا می کند.

اگر ما «وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ» را اعم از عذاب دنیوی و اخروی دانستیم، آنگاه قسمت دوم که عطف بر قسمت اول شده، از قبیل عطف عام بر خاص است؛ یعنی «وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ» اشاره به یک اثر بسیار مهم در این قوم دارد، آن هم خفت و خواری است؛ علت اینکه این اثر را ذکر کرده، این است که اینها در گذشته خفت و خواری داشتند و الان در واقع می خواهد بفرماید دوباره به همان خفت و خواری برمی گردند؛ چون هوای نفس و خواسته های پست خودشان را مقدم کردند. «وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ» یک معنای عام تر است؛ اگر عذاب اخروی باشد، معنای آن معلوم است. اگر منظور عذاب دنیوی باشد، مغضوبین در دنیا حتماً با تنگناهایی مواجه می شوند که یکی از آنها خفت و خواری است. «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا»، کسی که از خدا اعراض کند، خیلی مشکلات برای او پیش می آید؛ مغضوب واقع می شود و وقتی هم مغضوب واقع شد، این آثار را دارد.

پس طبق احتمال اول، عطف «وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ» بر جمله قبلی، عطف مباین بر مباین است؛ اما طبق احتمال دوم، این عطف عام بر خاص می‌شود. البته این هم چندان بعید نیست و محذور چندانی در التزام به آن وجود ندارد.

اشکال

اینجا ممکن است یک اشکالی پیش بیاید که اگر ما «وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ» را اینطور معنا کنیم آیا رجعوا الی غضب من الله یا رجعوا بغضب من الله، این چگونه با احتمال سومی که در قسمت اول ذکر کردیم سازگار است؟ ما در قسمت اول گفتیم «وَضَرَبْتُ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةَ وَالْمَسْكَنَةَ» اشاره به سرنوشت قوم یهود دارد، نه خصوص یهودیان زمان حضرت موسی، که آن هم مجازاتاً للاستبدال یا مجازاتاً لکفرهم لنعمائه واقع شده است. پس این چطور با احتمال سوم می‌سازد؟ ما در احتمال سوم گفتیم همه یهود منظور است؛ اگر منظور ضرب ذلت و مسکنت نسبت به همه یهودیان باشد، اینجا که فرموده «وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ» ظاهرش این است که اشاره به یهودیان آن زمان دارد، نه همه یهود تا بخواهد از همه آنها چنین خبری بدهد. به خاطر لفظ «باءوا» چنین استفاده‌ای کرده‌اند که کأن ظهور در این مطلب دارد؛ رجوع فقط در مورد آنها معنا پیدا می‌کند، نه در مورد یهودیان دیگر یا همه یهودیان.

پاسخ

درست است «ضربت» و «باءوا» به فعل ماضی آمده‌اند، اما برای اشاره به حتمیت و قطعیت است؛ مثل «إذا وقعت الواقعة»، آنجا هم با لفظ ماضی آمده ولی به این خاطر با این لفظ آمده که وقوع قیامت را در آینده قطعی و حتمی می‌داند؛ اینجا هم همینطور است. پس اینجا اخبار از گذشته نیست، بلکه اخبار از حتمیت وقوع عذاب الهی یا مغضوب شدن درگاه خداوند در این دنیا است. بنابراین، این معنا منافاتی با احتمال سوم در قسمت اول ندارد و اینها با همدیگر سازگار است.

بخش پنجم: «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ»

بخش پنجم آیه این است: «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ». در این فقره از آیه، علت عذاب دنیوی و اخروی یهود را ذکر می‌کند؛ به عبارت دیگر علت ذلت و مسکنت و جهنم و مغضوب شدن بنی‌اسرائیل نزد خداوند. علت چیست؟ اینجا فرموده: ۱. «بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ»؛ ۲. «وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ». علت مسکنت و ذلت قوم یهود و مغضوب شدن آنها این است که آنها کفر به آیات الهی داشتند و دیگر اینکه انبیا را به غیر حق به قتل می‌رساندند. این دو دلیل نیازمند توضیح بیشتر است؛ به علاوه، سؤالی که اینجا مطرح است، این است که چرا «ذلک» در این آیه تکرار شده است؟ یکبار فرموده «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ»، اما بعد دوباره می‌فرماید: «ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ». آیا این صرف یک تکرار است یا اینکه می‌خواهد مطلبی را افاده کند؟

«والحمد لله رب العالمین»